

جلد دوم

من خواندن را دوست دارم

ویژه‌ی دانش‌آموزان اول دبستان



ک
ب
س
ه
و
ع
ج

ف



مؤلف: منصوره صابری





ن گ

مامان به من یک کاسه آتش داد.
آتش ن گ نداشت.
من به آتش گئی ن گ زدم.



گ ر د

گ ریم گ ر د ا ست.
او د ر گ ر د ستان به د نیا آ مده ا ست.
گ ریم ایرانی ا ست.
او ایران را دوست دا رد.



د م ا و ن د

د م ا و ن د را پین !
د م ا و ن د از دور دیده می شود.
د م ا و ن د زیباست.
من دوست دارم آن را از نزدیک پینم.



مِ س و ا ک

ویدا مِ س و ا ک دا رد.
مِ س و ا گش زرد ا ست.
او روزی سه بار مِ س و ا ک می ژن د.





کوش
 مَن کوش دارم.
 مَن به آواز پرنندگان کوش می‌کنم.
 مَن آواز پرنندگان را دوست دارم.



مگس
 مگس وزوز می‌کند.
 مگس نمی‌تواند از توری رد شود.
 مگس پشت توری است.



بسته
 بسته روی دستم نشست.
 بسته دستم را نیش زد.
 من به یاد زدم.



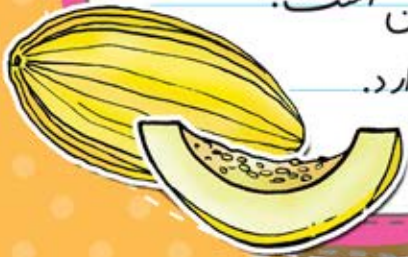
بسته
 مادر بزرگ به من بسته داد.
 بسته پوست دارد.
 من می‌توانم با پوست بسته
 یک کار دستی درست کنم.

خربزه

اختر خانم، خربزه و خیار می‌کارد.

خربزه شیرین است.

خربزه بوته دارد.



خرگوش

من یک خرگوش سفید دیدم.

من دویدم تا خرگوش را بگیرم.

خرگوش فرار کرد.

خرگوش از من تندتر می‌دوید.

بخار، رودخانه

آفتاب می‌تابد.

آب دریا بخار می‌شود.

بخار آب، ابر می‌شود.

ابر می‌بارد.

باران، رودخانه را می‌سازد.

رودخانه به دریا می‌ریزد.



خار

خار تیز بود.

خار به انگشت فرزند رفت.

مادر، خار را از دست او بیرون آورد.



سفیدرود

سفیدرود، یک رود بزرگ است.

این رود در ایران است.

سفیدرود به دریای خزر می ریزد.



بنفشه

این بنفشه است.

آن بنفشه است.

سبزه پراز بنفشه است.

شاپرک آمد.

او روی یک بنفشه نشست.



فروشنده

فروشنده خانم، دوستِ مادرم است.

او فروشنده است.

او کیف و کفش می فروشد.

فروشنده خانم یک کیفِ فیروزه‌ای به من داد.

من از او سپاس‌گزاری کردم.

خزنده

مار دست و پا ندارد.

مار روی زمین می خزد.

مار خزنده است.

